



A Study of the Characteristics of Prophet Yusuf (pbuh)'s the Economic Governance and Its Relationship with the Policies of the Resilience Economy Based on Quranic Teachings

Sayyed Ahmad Hosseini¹

¹ Assistant Professor, Department of Management and Accounting, University of Eyvanekey
Address: Eyvanekey, Postal Code: 99888-35918, Iran, s.a.hosseini@eyc.ac.ir,

Corresponding author: Sayyed Ahmad Hosseini, s.a.hosseini@eyc.ac.ir

Copyright © 2019 The First National Congress of Governance. All rights reserved.

Abstract. In this article, according to authoritative sources, especially the Holy Quran, the subject of economics, the definition of resistance economics from the perspective of the Supreme Leader and then the components of economic governance in the life of Prophet Yusuf and their relationship with the policies of resistance economics are discussed. The characteristics of Prophet Yusuf (pbuh) such as Makin, Amin, Hafiz and Alim, emphasize on four main strategies in economic governance, which are: sufficient authority in the field of action, psychological security for economic security, the need for continuous research to maintain the economic balance of society and knowledge of challenges ahead. Joseph's fourteen-year plan for economic justice and the fight against famine and economic corruption well confirms the principle that the implementation of social justice in society requires long-term and careful planning. Accordingly, the government of Prophet Yusuf (pbuh) can be considered as an example of a successful divine government and he can be considered a worthy model of economic ruler in religious government and a factor in economic ethics. Accordingly, at the end of the article, a model for selecting suitable rulers to implement the policies of the resistance economy according to the government characteristics of Prophet Yusuf (as) is presented.

Keywords: Economic governance, resilience economy, Prophet Yusuf, transcendent governance.

بررسی ویژگی‌های حکمرانی اقتصادی حضرت یوسف علیه‌السلام و ارتباط آن با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر مبنای معارف قرآنی

سید احمد حسینی¹

1 - استادیار، مدیریت سیستم‌ها، دانشگاه غیر دولتی - غیر انتفاعی ایوان کی، ایوان کی

چکیده. در این مقاله با توجه به منابع معتبر بخصوص قرآن کریم، به موضوع اقتصاد، تعریف اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری و سپس به مولفه‌های حکمرانی اقتصادی در سیره حضرت یوسف و ارتباط آنها با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است. ویژگی‌های حضرت یوسف علیه‌السلام همچون مکین، امین، حفیظ و علیم، بر چهار راهبرد اصلی در حکمرانی اقتصادی تأکید دارد که عبارتند از: اختیار کافی در حوزه عمل، امنیت روانی برای امنیت اقتصادی، ضرورت پژوهش مستمر برای حفظ توازن اقتصادی جامعه و شناخت از چالش‌های پیش‌رو. برنامه‌ریزی چهارده ساله حضرت یوسف برای عدالت اقتصادی و مبارزه با فساد اقتصادی به خوبی این اصل را تأیید می‌کند که اجرای عدالت اجتماعی در جامعه نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت و دقیق است. بر این اساس، حکومت حضرت یوسف را می‌توان نمونه‌ای از یک حکومت الهی موفق دانست و آن حضرت را الگوی حکمرانی اقتصادی در حکومت دینی و عامل به اخلاق اقتصادی به‌شمار آورد. بر این اساس در پایان مقاله مدلی جهت انتخاب حکمرانان شایسته برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با توجه به ویژگی‌های حکومتی حضرت یوسف علیه‌السلام ارائه شده است.

کلیدواژگان: حکمرانی اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، حضرت یوسف، حکمرانی متعالی.

قرآن کریم به عنوان برنامه جامعی برای زندگی انسان به مدیریت اشاره نموده است. از جمله در سوره یوسف، مدیر واجد شرایط را از نظر اخلاقی، علمی و تخصصی با دو شرط حفیظ (امانت‌داری) و علیم (دانش) معرفی می‌کند. حضرت یوسف یکی از انبیاء بزرگ الهی است که می‌تواند از جهات مختلف برای حاکمان دینی الگوی علمی و عملی مناسبی باشد. زندگی پر ماجرای حضرت یوسف علیه السلام، سرشار از عبرت‌ها، حکمت‌ها و الگوهای رفتاری است. قرآن در این باره می‌فرماید: لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلْمُتَلِّينَ (یوسف: ۷)؛ همانا در ماجرای یوسف و برادران او برای افراد جستوجوگر و حقیقت‌جوی نشانه‌هایی است. از نظر مدیریتی، ایشان در دو نظام فرهنگی-تربیتی و نیز اقتصادی، مدیریت جامعی را که بر پایه‌ی پیش‌بینی و تصمیم‌گیری صحیح، برنامه‌ریزی دقیق، هدایت و رهبری آگاهانه و نظارت مستقیم بر امور دینی و حکومتی است، ارائه داده‌اند. آن حضرت متخلق به صفات ارزشمندی هم‌چون عفت، گذشت، صبر، سعه صدر، حسن خلق و تقوا بوده است، که با محبوبیت اخلاقی و تربیت دینی موجبات هدایت پادشاه و مردم مصر را فراهم آورد و به این ترتیب مدیریتی فرهنگی-تربیتی جامعی را رقم زد. هم‌چنین آن حضرت در زمان بحران جامعه مصر، طرح جهاد اقتصادی ریخت و با برنامه‌ریزی اقتصادی دقیق، به سازماندهی امور به منظور تأمین منابع اقتصادی در شرایط سخت و خشک‌سالی اقدام نمود و امنیت غذایی، رشد و شکوفایی را برای مردم مصر به ارمغان آورد. بر این اساس علم، تدبیر و سیاست حضرت یوسف در نجات مردم مصر از قحطی و خشک‌سالی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن، از جمله ویژگی‌های مدیر موفق بوده، که با توجه به تبیین قرآن کریم، در گزینش حاکم جامعه و مدیر اصلح باید مورد توجه قرار گیرد. و یکایک مدیران، با معیارهای الهی باید انتخاب شوند (سروش، ۱۳۹۳). هم‌چنان که مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری در تاریخ ۱۳۷۲/۵/۱۲ فرمودند:

«این توصیه را مؤکد می‌کنم که گزینش همکاران مهم است. البته در سطح وزراء، رعایت دقت زیادی می‌شود. هم رئیس جمهور محترم، هم مجلس محترم، جوانب کار را خیلی می‌سنجند و رعایت می‌کنند. اما به اینجا، اکتفا نشود. من به وزاری عزیز که بخش‌های مختلف را بر عهده دارند یا خواهند داشت، عرض می‌کنم: یکایک معاونین را، یکایک مدیران را، یکایک مسئولین سراسر کشور را، در بخش خودتان، با معیارهای الهی انتخاب کنید: کاردان، لایق، متدین، پاک و آراسته به خصوصیات که برای یک مدیر لازم است.»

۲- مبانی نظری

تعریف اقتصاد

اقتصاد در لغت، میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری است. در آیه «و اقصد فی مشیک»^۱ نیز به همین معنی آمده است. از آن نظر که اعتدال در هزینه زندگی یکی از مصادیق میانه روی بوده، کلمه «اقتصاد» درباره آن بسیار استعمال می‌شده است تا آنجا که در به کار گیری عرفی از «اقتصاد» غالباً همین معنی مقصود بوده است. اقتصاد از معانی عرفی خود (میانه روی در معاش و تناسب دخل و خرج)، تعمیم داده شده و معادل Economy قرار گرفته است.

به هر حال برای «اقتصاد» که اقتصاددانان از آن بحث می‌کنند تعاریف مختلفی ارائه شده است:

- ارسطو علم اقتصاد را همان مدیریت خانه می‌داند (دانشنامه رشد).
- آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ چیزی که در آن روزگار اقتصاد سیاسی خوانده می‌شد را این‌گونه تعریف کرده است: شاخه‌ای از دانش یک دولتمرد یا قانونگذار [با اهداف دوگانه ی فراهم کردن درآمد سرشار و معاش خوب برای مردم ...] و تأمین کردن درآمد برای دولت برای هزینه کردن در خدمات عمومی (Groenwegen, 1987).
- ژان باپتیست سه در ۱۸۰۳، هم‌زمان با جدا کردن علم اقتصاد از کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی^۲، آن را بعنوان علم تولید، توزیع و مصرف ثروت تعریف می‌کند.
- توماس کارلایل تاریخ‌دان انگلیسی اصطلاح "دانش کسل کننده" را بعنوان صفتی طعنه آمیز برای اقتصاد کلاسیک وضع کرد، که در این زمینه بیشتر به تحلیل بدبینانه مالتوس ارتباط پیدا می‌کرد (Persky, 1990).

^۱ لقمان، آیه ۱۹

^۲ public policy

- جان استوارت میل اقتصاد را در بستری اجتماعی اینگونه تعریف می‌کند: علمی که قوانین پدیده‌هایی در جامعه را دنبال می‌کند که از کارهای مختلف نوع بشر برای تولید ثروت برمی‌خیزد، تا جایی که این پدیده‌ها بوسیله تعقیب هدف دیگری متعین نشوند (Mill, ۱۸۴۴).
- آلفرد مارشال (۱۸۹۰) در کتاب خود اصول علم اقتصاد تعریفی ارائه می‌دهد که تاکنون نیز ذکر شده است و تحلیل اقتصادی را از مقوله ثروت فراتر می‌برد و از سطحی اجتماعی به سطح اقتصاد خرد می‌کشد: اقتصاد، مطالعه انسان است در کسب و کار معمولی‌اش در زندگی. اقتصاد به کاوش در این می‌پردازد که چگونه انسان درآمدش را کسب و آن را مصرف می‌کند. بنابراین، از یک جنبه مطالعه ثروت است و از جنبه مهم دیگر، بخشی از مطالعه خود انسان است.
- لیونل رابینز اقتصاددان انگلیسی به تعریف مفهومی از اقتصاد پرداخت که "شاید مقبول‌ترین تعریف جاری از اقتصاد باشد" (Robbins, ۱۹۳۲): اقتصاد دانشی است که رفتار انسان را در رابطه با اهداف و وسائل کمیایی که قابلیت استفاده‌های دیگری نیز دارند، مطالعه می‌کند.

رابینز این تعریف را بعنوان تعریفی می‌شناسد که نه طبقه بندی کننده، "بمعنای انتخاب انواع معینی از رفتار"، بلکه بیشتر تحلیلی، بمعنای "تمرکز بر جنبه‌های مشخصی از رفتار است که تحت تاثیر کمیایی تحمیل می‌شوند" (Robbins, ۱۹۳۲).

برخی از نظراتی که متعاقباً درباره این تعریف ابراز شده، آن را بیش از حد گسترده و ناتوان از محدود کردن موضوع به تحلیل بازارها می‌دانند. به هر حال، از دهه ۱۹۶۰، به دلیل اینکه تئوری بیشینه ساختن رفتار^۱ و مدل‌های انتخاب عقلانی، دامنه علم اقتصاد را به حوزه‌ها و موضوعاتی گسترش داد که قبلاً بعنوان رشته‌هایی مجزا تلقی می‌شدند، اینگونه نظرات و انتقادات فروکش کردند (Backhouse and Steven, ۲۰۰۹).

- گری بکر، یکی از گسترش دهندگان علم اقتصاد به حوزه‌هایی نوین، رویکرد خود را بعنوان "ادغام فرضیه‌های تئوری بیشینه ساختن رفتار، ترجیحات ثابت^۲ و تعادل بازار که بصورتی بی ملاحظه و مصمم بکار گرفته می‌شد" تعریف می‌کند (Becker, ۱۹۷۶). یک تفسیر، این تعریف را تبدیل اقتصاد به یک رویکرد به جای یک موضوع علمی خوانده است؛ رویکردی که با این حال از خاص گرایی زیادی در زمینه "فرایند انتخاب و نوع تعامل اجتماعی که این تحلیل دربرمیگیرد" برخوردار است. منبع همان تفسیر، سلسله‌ای از تعاریف اقتصاد در کتابچه‌های اقتصادی را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که فقدان توافق مورد نیاز، تاثیری بر خود موضوع (یعنی علم اقتصاد) که کتابچه‌ها به آن پرداخته‌اند ندارد.

بطور کلی تر در بین اقتصاددانان این نظر مطرح می‌شود که ارائه تعریفی خاص بیشتر بازتاب دهنده مسیری است که بنظر پدیدآورنده آن علم اقتصاد در آن تکامل می‌یابد و یا باید تکامل یابد (Backhouse and Steven, ۲۰۰۹).

همانطور که ملاحظه می‌شود تعاریف متفاوتی برای علم اقتصاد وجود دارد. برخی از تفاوتها، بازتاب دهنده تکامل دیدگاهها درباره موضوع اقتصاد و یا دیدگاههای مختلف در میان اقتصاددانان است (Backhouse and Steven, ۲۰۰۸).

تعریف اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری در پیامهای نوروزی خود، سال ۱۳۸۸ را سال «اصلاح الگوی مصرف» و سال ۱۳۸۹ را سال «همت مضاعف و کار مضاعف» نامیدند؛ سپس در بیانات خود در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶ برای نخستین بار اقتصاد مقاومتی را مطرح کرده و بیان کردند که «ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور پدید بیاوریم». پس از آن سال ۱۳۹۰ را به سال «جهاد اقتصادی» و سال ۱۳۹۱ را به سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه داخلی» و سال ۹۲ را سال «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» نام گذاری کرده و در طول ایام هر سال در بیانات خود به مناسبت های گوناگون شعار آن سال و زاویه های پنهان آن، راهبردها و سیاست های متناسب با آن را تبیین کرده

¹ maximizing behavior

² stable preferences

اند. پس از مطرح شدن اقتصاد مقاومتی توسط رهبری، در مقاله ها، سایت ها و همایش ها به تبیین و توضیح اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است. بررسی این مقاله ها نشان می دهد که برداشت های متفاوتی از اقتصاد مقاومتی وجود دارد و تفسیرهای گوناگونی از آن شده است (میر معزی، ۱۳۹۲).

از آنجایی که بحث اقتصاد مقاومتی در کشور اولین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است، لازم است که از نظرات و بیانات ایشان تفسیر و تبیین گردد. لذا تفسیر اقتصاد مقاومتی باید مستند به بیانات ایشان باشد.

مقام معظم رهبری در تعریف اقتصاد مقاومتی میگوید:

اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند روبه رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیری اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای گوناگون خواهد بود کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۹۱/۶/۲). اقتصاد در یک چنین شرایطی اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در برابر کارشکنی دشمن، خباثت دشمن، دشمنانی که ما داریم (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش بنیان، ۹۱/۵/۸).

سیاستهای اقتصاد باید سیاستهای اقتصاد مقاومتی باشد - یک اقتصاد مقاوم - باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند، با تغییر های گوناگون در این گوشه دنیا، آن گوشه دنیا متلاطم نشود؛ این چیزها لازم است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور به مناسبت هفته کارگر ۹۲/۲/۷).

بر این اساس اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری، اقتصادی است که دو ویژگی اساسی دارد (میر معزی، ۱۳۹۲):

۱- در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم است و کمتر آسیب میبیند.

۲- تهدید را تبدیل به فرصت کرده و در وضعیت تهدید رشد می کند.

ابلاغ سیاستهای کلی «اقتصاد مقاومتی»

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی با ابلاغ سیاستهای کلی «اقتصاد مقاومتی» بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، تأکید کردند: پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران خواهد شد، همچنین اقتصاد مقاومتی خواهد توانست در بحرانهای رو به افزایش جهانی، الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد و زمینه و فرصت مناسب را برای نقش آفرینی مردم و فعالان اقتصادی در تحقق حماسه اقتصادی فراهم کند.

متن ابلاغیه رهبر انقلاب به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح زیر است (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی)):

بسم الله الرحمن الرحيم

ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساختهای گسترده و مهم تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صف آرای کرده، به شکست و عقب نشینی وا می دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی اطمینانی های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحرانهای مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی و سند چشم انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درونزا و برون گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد.

اکنون با مذاقه لازم و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاستهای گذشته، خصوصاً سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است، ابلاغ می گردد.

لازم است قوای کشور بی درنگ و با زمان بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم جهانیان رخ نماید. از خداوند متعال توفیق همگان را در این امر

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد:

۱- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

۲- پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.

۳- محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

۴- استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.

۵- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

۶- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (بویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.

۷- تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).

۸- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.

۹- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.

۱۰- حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:

- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم.
- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.
- برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه.

- استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.

- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.

۱۱- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.

۱۲- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:

- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان.
- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی.

- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.
- ۱۳- مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:
 - انتخاب مشتریان راهبردی.
 - ایجاد تنوع در روش‌های فروش.
 - مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش.
 - افزایش صادرات گاز.
 - افزایش صادرات برق.
 - افزایش صادرات پتروشیمی.
 - افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی.
- ۱۴- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، بویژه در میداین مشترک.
- ۱۵- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.
- ۱۶- صرفه جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید.
- ۱۷- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.
- ۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.
- ۱۹- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...
- ۲۰- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.
- ۲۱- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.
- ۲۲- دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگی سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:
 - شناسایی و بکارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.
 - رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.
 - مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.
- ۲۳- شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.
- ۲۴- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.

اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی

اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری باید در ظرف اقتصاد اسلامی تفسیر شود؛ زیرا وی در بیانات متعددی به ضرورت در نظر گرفتن مبانی، ارزشها و دستورهای اسلامی در علوم انسانی و از جمله علم اقتصاد و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأکید کرده است:

«یک عده هستند که تصور می‌کنند می‌شود ملتی مسلمان بود اما به احکام اسلامی عمل نکرد؛ این تصور معنایش جدایی دین از سیاست است؛ معنایش این است که اسمتان مسلمان باشد اما به احکام اسلامی عمل نکنید و نظام بانکداری، اقتصاد، آموزش و پرورش، شکل و محتوای حکومت و ارتباطات فرد و جامعه‌تان به خلاف اسلام و طبق قوانین غیراسلامی و حتی ضد اسلامی باشد» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران به مناسبت عید غدیر خم، ۷۴/۲/۲۸).

«اینها نشان می‌دهد که نظریه پردازی‌های غربی در زمینه سیاست، در زمینه اقتصاد، نظریه‌های ناقص، عقیم و بی‌خاصی تی است ما را بیشتر تشویق می‌کند که برویم به درون خودمان مراجعه کنیم و فکر اسلامی و اندیشه اسلامی را پیدا کنیم» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از اساتید دانشگاهها، ۹۰/۶/۲).

«ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسیای هم که براساس آن میتوان حقوق، اقتصاد، سیاست و دیگر بخش های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم؛ البته در این قسمت حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام میتوانند با جستوجو و تفحص نقش ایفا کنند. اینجا از آنجاهایی است که ما باید به تولید علم برسیم» (بیانات رهبر معظم ان قلاب در دیدار جمعی از استادان دانشگاههای سراسر کشور، ۸/۸/۸۲).

بر این اساس نمی توان اقتصاد مقاومتی را از دیدگاه ایشان به گونه ای تفسیر کرد که ارتباطی با اقتصاد اسلامی نداشته و نسخه بازسازی ش ده اقتصاد حمایتی یا اقتصاد تحریم و مانند آن باشد که در ادبیات اقتصادی وجود دارد (میر معزی، ۱۳۹۲).

۳- اقتصاد در سیره حضرت یوسف

در تعالیم پیامبران، توجه به عامل اقتصاد و اهمیت آن برای اداره دولت دینی به خوبی آشکار است. نمونه آن را می توان در مدیریت و حکمران ی اقتصادی حضرت یوسف علیه السلام ملاک قرار داد. زمانی که اقتدار یوسف علیه السلام افزایش یافت، تصدی امور اقتصادی کشور را خواستار شد. وی در نخستین اقدام، به سازماندهی وضعیت اقتصادی پرداخت (سلیمانی و منتظرالقائم، ۱۳۹۳). با این وجود، امروزه در مدیریت اقتصاد د کلان، سخن از مدیریت، بازرگانی و توسعه است. شرایط پیچیده اقتصاد و سیاست راه های پر پیچ و خم مدیریتی را اقتضا می کند که به طور قطع هر گونه ارزش های سنتی و بومی در یک کشور را درمی نوردد. به عبارت دیگر، حکمرانی اقتصادی با توجه به ابعاد کلان خود، فی نفسه هیچ ارزشی را برنمی تابد، مگر آنکه ارزش مزبور در مسیر آن قرار نگرفته و با آن برخوردی نداشته باشد. در حکمرانی اقتصاد خرد نیز همین ا صل با اندک تفاوتی جاری است. آنچه در اقتصاد قدیم و جدید تفاوت دارد، شیوه ها و حوزه های عمل اقتصادی است؛ اما اصول ثابت اند. امروز ه این مسئله یکی از چالش های توسعه کلان محسوب می شود و نه تنها مسئله ارزش ها، که موضوع فاصله غنی و فقیر نیز گریبان گیر آن اس ت، تا آنجا که در پذیرش مدل های توسعه، ابتدا نسبت آن را با فقر، بیکاری و نابرابری می سنجند (Seers, 1972).

اینکه چگونه در یک حکومت ایدئولوژیک، که مبتنی بر ارزش های اعتقادی است، می توان دارای اقتصاد کلان و جهانی بود، در عین حال پاینده به اعتقادات و ارزش ها بود، مسئله ای است که در مدیریت اقتصادی حکومت یوسف علیه السلام به آن پاسخ داده شده است. همه مورخ ان و مفسران کار یوسف را چیزی مانند وزیر دارایی و امور مالی دانسته اند و یا چیزی مانند سرپرست کار کشاورزی و گردآوری غلات و نگه دار ی آنها در سیلوها در سال های آسودگی، و مصرف درست آنها در سال های قحطی (طبری، ۱۳۷۵؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰).

مبانی و شاخصه های برنامه اقتصادی حکومت یوسف علیه السلام

امنیت روانی، لازمه امنیت اقتصادی

یوسف علیه السلام از سوی پادشاه مصر به لقب امین معرفی شد^۱. منظور از این واژه، امانت داری و ایمن بودن اوست. یوسف علیه السلام در خانه عزیز مصر، در عمل امین بودن خود را نشان داد و موجب شد که اعتماد بلندترین مقام کشور مصر را به خود جلب کند. برای کنترل قدرت، علاوه بر عوامل بیرونی مانند قانون، مردم، رسانه و...، لازم است تضمین های اجرایی دقیق نیز در خود فرد حاکم شکل گیرد. این امر محقق نمی شود، مگر با امنیت نفس. «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» (یوسف: ۵۳)؛ همانا نفس، امر به کارهای ناپسند می کند، مگر آنکه مشمول لطف خدا شود. بنابراین، قدرت و اختیارات تصرف، امری است که در آن احتمال خیانت و خطرات نفسانی وجود دارد و امنیت نفس در برابر آن لازم است (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۰۰۵).

ضرورت پژوهش برای توازن اقتصادی جامعه

یوسف علیه السلام در برابر پیشنهاد پادشاه مصر، برای انتخاب یکی از پست های مملکتی، مقام خزانه داری را انتخاب کرد. وی دلیل خود را این گونه بیان نمود: «أَتَى حَفِیْظٌ عَلِیمٌ»^۲؛ زیرا من نگهبان و دانا هستم.

^۱ یوسف: ۵۴

^۲ یوسف: ۵۵

حفیظ یعنی کسی که در حفظ و نگهداری نهایت سعی را به کار می برد و این مقام برای او همیشه است (سیاح، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۸۲). پیام اول کاربرد این واژه برای خزانه داری مملکت، همانا ضرورت حفظ نظام اقتصادی است. و پیام دوم این است که این حفاظت، باید همیشگی و دائم باشد؛ یعنی همان چیزی باشد که امروز از آن به پشتوانه پژوهش در نظام های پیشرفته یاد می شود؛ بدین معنا که هر سیستم برای آنکه دوام داشته باشد و با شرایط جدید بتواند سازگار باشد، نیازمند پژوهش و تحقیق مستمر است. اقتصاد نیز نیازمند این امر ضروری است. علیم بودن یوسف علیه السلام نیز به ضرورت دانایی رو به رشد حکمرانان اشاره دارد (دیباجی، ۱۳۸۷، ص ۷۲ و ۷۱).

چنان که ملاحظه می شود، رابطه دین و دنیا، رابطه ای ظریف است. این رابطه گاهی نفی شده و این دو متضاد با یکدیگر معرفی شده اند، و گاهی تأیید شده است. اما صرف نظر از بیان این دیدگاه ها، می توان واقعیت تاریخی دولت حضرت یوسف علیه السلام را نشانه توجه دین الهی به اقتصاد سالم برای سلامت جامعه بدانیم و رسالت یوسف علیه السلام نمونه ای از تلاش حکومت الهی در به دست گرفتن حکومت و سامان دهی اقتصاد است.

برنامه اقتصادی یوسف علیه السلام

حضرت یوسف علیه السلام عهده دار اقتصاد مصر شد و برای این کار، اختیارات کافی به دست آورد. مرحوم طبرسی، به روایت امام رضا علیه السلام، برنامه اقتصادی یوسف را به تفصیل نقل کرده که خلاصه آن بیان می گردد: یوسف با تصدی مقام خزانه داری، در هفت سال اول، دستور به انباشتن آذوقه داد. با فرا رسیدن هفت سال قحطی، طی برنامه منظمی در سال اول، در قبال پول نقد بخشی از آذوقه ها را به مردم و ثروتمندان فروخت. در سال دوم، آذوقه ها را با طلا و جواهر معاوضه کرد. در سال سوم، در قبال حیوانات اهلی، سال چهارم، در قبال غلام ها و کنیزها، در سال پنجم، در مقابل املاک و خانه ها، در سال ششم، به ازای مزارع، باغ ها و در سال هفتم، در قبال تعهد کارها و خدمات افراد بدان ها آذوقه داد.^۱ بنابراین، این گونه خزانه دولت از پشتوانه محکمی برخوردار شد و دست ثروتمندان از هرگونه حرکت مخرب اقتصادی بسته شد؛ زیرا نقدینه ای نداشتند تا با آن فساد اقتصادی کنند.^۲ مطابق آیه هفت سوره حشر، ثروت های بزرگ که در دست مترفین و زورمداران باشد، عامل فساد اقتصادی است. یوسف علیه السلام با برنامه ریزی دقیق و حساب شده ای هرچند بلندمدت، پول را از چنگ آنان درآورد. به عبارتی با حکمرانی اقتصادی، تهدید خشک سالی را تبدیل نمود به فرصتی برای برپایی حکمرانی متعالی.

عدالت اجتماعی حضرت یوسف علیه السلام، فاصله فقیر و غنی را بسیار کم کرد و آرامش را برای مردمان آن سرزمین به ارمغان آورد. وی با اجرای اصل عدالت اقتصادی، موفقیت بزرگی در دست یافتن مردم به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه به دست آورد. روشن است اگر مدل حضرت یوسف علیه السلام را که شامل (۱) ذخیره سازی (۲) مصرف در حد نیاز (۳) فروش اضافه تولید، در سال های غیرقحطی مورد توجه و عمل جوامع انسانی قرار گیرد، میزان تولید افزایش یافته و ثروت و ذخائر ملی رو به صعود می نهد.^۳ در این صورت، عرضه و تقاضا در نظام حکومت دینی در بازاری شکل می گیرد که اصل رفتاری آن بر تعاون در خیرات یا رقابت سالم باشد، نه رقابت دنیوی. دولت دینی با ملاک مصالح فرد و جامعه، در بازار دخالت و از احتکار، انحصار و گران فروشی جلوگیری می کند (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۳۸۴). دولت دینی موظف است از احتکار جلوگیری کرده و محرکان را وادارد که کالای خود را به قیمت بازار عرضه کنند (سلیمانی و منتظرالقائم، ۱۳۹۳).

رہیافت ها و راہبرد ها در حکومت حضرت یوسف علیه السلام

رہیافت ها و راہبردهای حکومت حضرت یوسف علیه السلام در جدول ۱ به شرح ذیل آمده است.

جدول ۱ رہیافت ها و راہبرد ها در حکومت حضرت یوسف علیه السلام

رہیافت ها	راہبرد ها
یوسف (ع) از مسیر توحید، استواری و شناخت به حکومت رسید، و قرآن وی را در چند موضع (از جمله آیات ۳۶ و ۷۸ سوره یوسف) از مسنان (یعنی کارآمدان) خوانده است.	۱- حاکمان باید با سه معیار اعتقاد به خدا، استواری در راه دین و آگاهی و شناخت (که نوعی از کارآمدی را تعریف می کنند)، سنجیده و برگزیده شوند.
حکومت یوسف (ع) با موانع متعددی مواجه بود و راه های	۲- در مقابل غفلت، روزمرگی، رفاه زدگی و ترویج شهوات

^۱ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۵-۳۱۴

^۲ ر.ک: اطلس قرآنی، ص ۵۱۵؛ رسولی محلاتی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۷

^۳ ر.ک: اطلس قرآنی، ص ۵۱۵

که حکومت ها را تهدید می کند، باید به تقویت ایمان، ترویج فرهنگ توکل، تقویت اراده و گسترش شناخت، به عنوان راه هایی برای مبارزه پرداخت. همه اینها در پرتو مبارزه با نفس به عنوان وظیفه فردی و مبارزه باظلم به عنوان وظیفه اجتماعی به دست می آید و تنها راه دفع فساد فردی و حکومتی است.

۳- شناخت رقیب، شناخت دوست، برنامه ریزی بلند مدت و داشتن استراتژی پیوند دادن سیاست با تربیت، از بایدهای مهم حکومت دینی است.

یعقوب (ع) در ماجرای یوسف (ع) نقش رهبر را دارد.

۴- صبر گذشت و تدبیر از باید ها و ویژگی های رهبری اند، اما «تبدیل تهدید ها به فرصت ها» مهمترین نقش رهبر در حکومت دینی است که قلمرو انسانی حاکمیت دینی را گسترش می دهد.

یوسف (ع) امور عادی را به مبانی عقیدتی و خداآوری پیوند می زد و منتقد جامعه دور از دین خدا بود(سوره یوسف، آیه ۳۷). این ویژگی ها او را به عنوان یک مصلح توحیدی نشان می دهد.

۵- نگاه توحیدی و خداآوری در شناخت و تحلیل پدیده های اجتماعی، رکن رکین حکومت دینی و منشور آن محسوب می شود. این نگاه محور وحدت و ثبات اجتماعی در جامعه دینی است.

یوسف (ع) که تمام افعال خود را بر محور توحید و مبارزه با نفس تنظیم کرده بود وقتی به حکومت دست یافت، اصلاحات اقتصادی را برنامه اصلی خود قرار داد.

۶- در برخی مقاطع، اصلاحات اقتصادی ارزشی معادل توحید و خودسازی دارد. حکومت دینی باید برای گسترش توحید و تعالی انسان، اقتصاد و معیشت او را مورد توجه، شناخت و مدیریت قرار دهد.

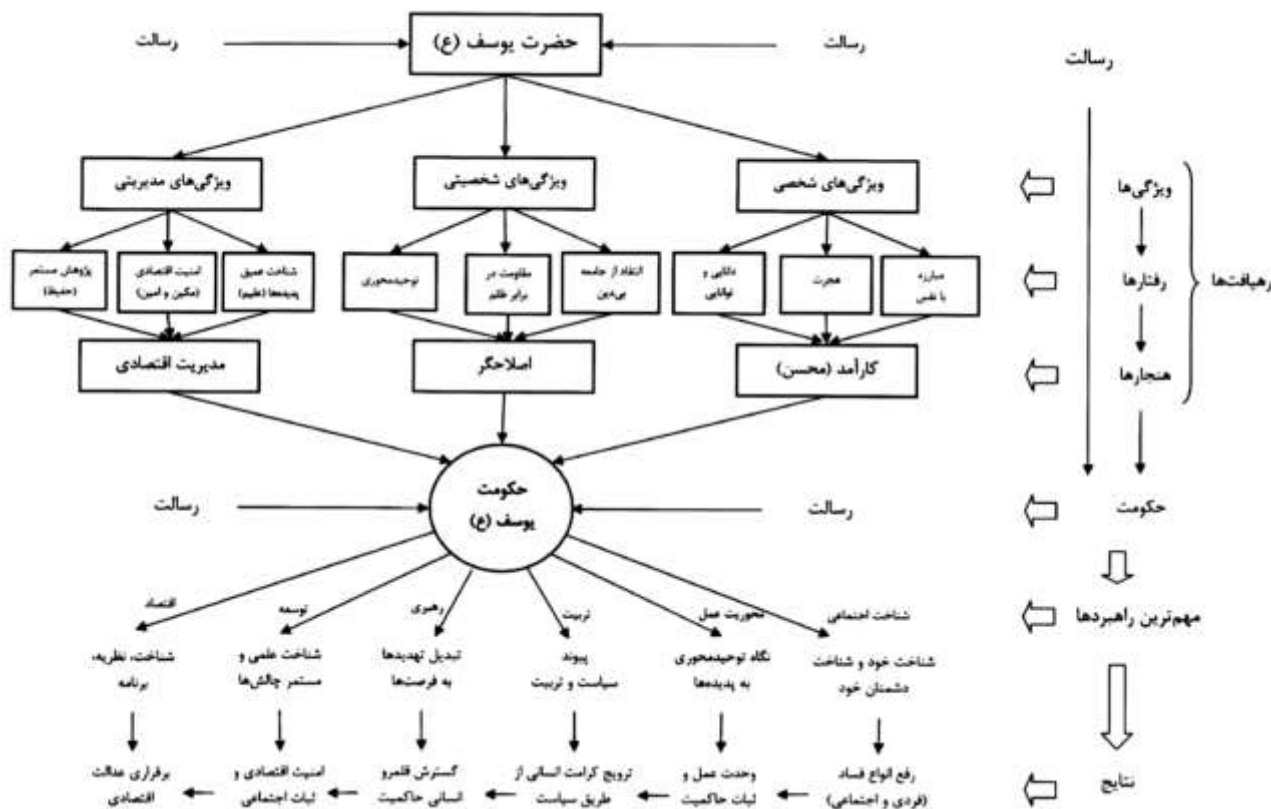
یوسف (ع) برای شایستگی مقام خزانه داری به چهار ویژگی «مکین، امین، حفیظ و علیم» - توسط خود او و پادشاه- توصیف شده است.

۷- حکومت دینی برای تحکیم اقتصاد خود به «اختیار کافی در حوزه عمل»، «ایجاد امنیت روانی برای امنیت اقتصادی»، «پرداختن به پژوهش مستمر» و «شناخت مدام از چالش های پیش رو» نیاز دارد.

یوسف (ع) برای مبارزه با فساد و قحطی، برنامه چهارده ساله اقتصادی طراحی کرد.

۸- بر قراری عدالت اجتماعی و مدیریت اقتصاد حکومت دینی علاوه بر آنکه جزء آرمانها محسوب می شود، نیازمند برنامه ریزی دقیق است و با شعار عملی نمی گردد. در این باره باید حتماً اجزای برنامه و زمان آنها تعریف شده باشد.

در نمودار ۱ نیز مدل حکمرانی اقتصادی حضرت یوسف علیه السلام به صورت نمودار نشان داده شده است. با این توضیح که در این نمودار، مولفه های راهبرد و نتیجه بصورت باز و نه محصور به شکل نشان داده شده است(دیباچی، ۱۳۸۷).

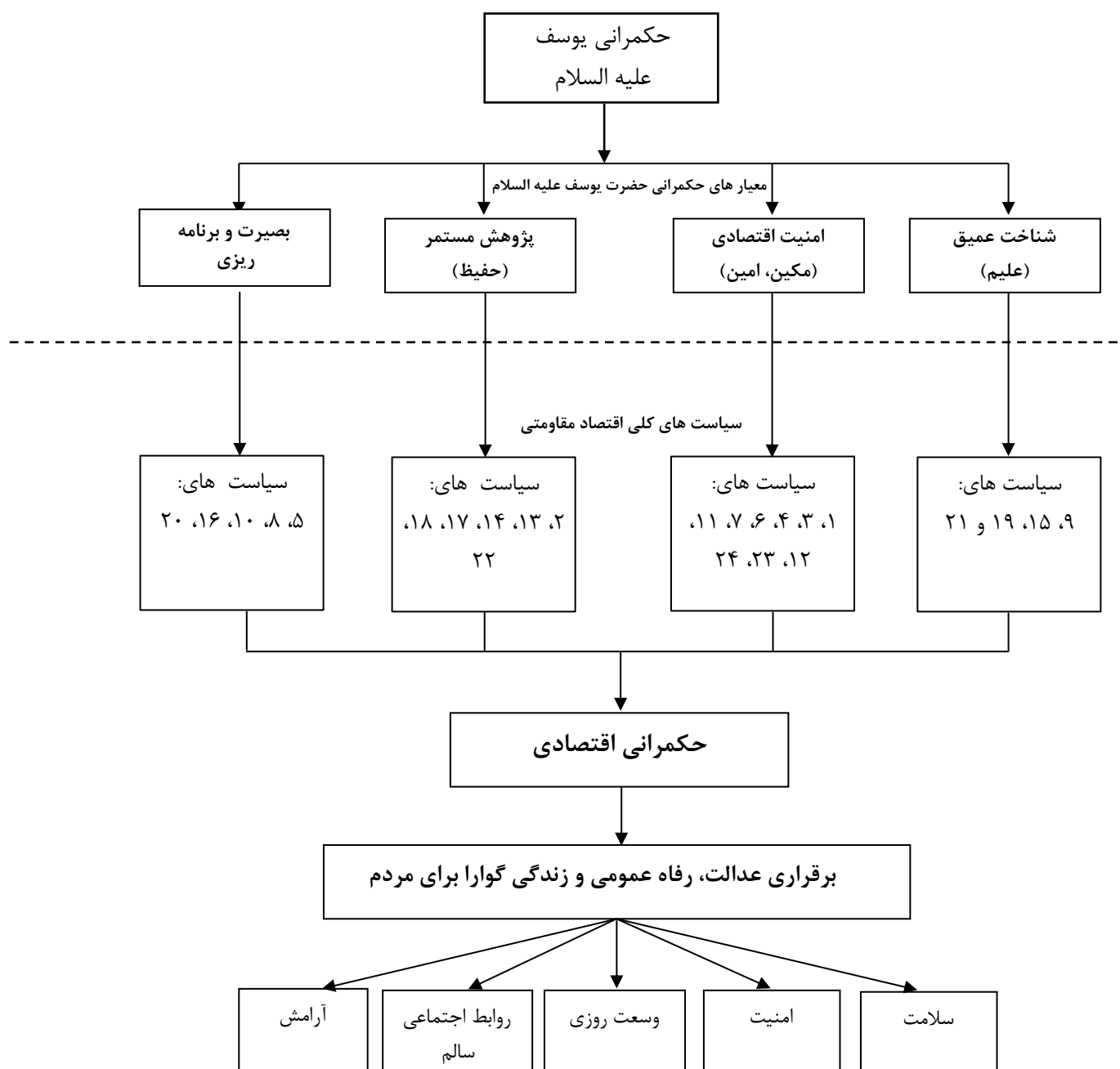


شکل ۱ مدل حکومت حضرت یوسف علیه السلام (دیباجی، ۱۳۸۷)

۴- مدل تطبیقی سیاست های اقتصاد مقاومتی در سیره حضرت یوسف علیه السلام

حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی در تفسیر نور ذیل نکات آیه ۵۵ سوره یوسف می فرمایند: از مجموعه دو وصفی که پادشاه از یوسف علیه السلام بیان کرد؛ «مکین، امین» و دو صفتی که یوسف برای خود بیان نمود، «حفیظ، علیم» اوصاف کارگزاران شایسته به دست می آید: قدرت، امانت، پاسداری و تخصص (قرائتی، ۱۳).

در اینجا با توجه به ویژگی های حکمرانی اقتصادی حضرت یوسف علیه السلام و ایجاد ارتباط بین سیاست های اقتصاد مقاومتی با هریک از ویژگی ها به مدل ارائه شده در شکل ۲ می رسمیم که بیان می دارد که هریک از سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بیشتر نیاز به کدام ویژگی حکمرانی حضرت یوسف دارد، تا از این طریق بتوان در جهت انتخاب شایسته مدیران به منظور پیاده سازی هرچه بهتر سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی گام برداشت. که نتیجه آن برقراری عدالت، رفاه عمومی و زندگی گوارا برای مردم خواهد بود. که با شاخصه های سلامت، امنیت، وسعت روزی، روابط اجتماعی سالم و آرامش تبیین می گردد.



شکل ۲ ویژگی های حکمرانی اقتصادی حضرت یوسف علیه السلام و ارتباط آن با سیاست های اقتصاد مقاومتی

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با نگاهی به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مشخص می‌گردد که حکمرانان و مجریان این سیاست‌ها بایستی از دانش، بصیرت، توانمندی‌ها و فضائل اخلاقی و مدیریتی خاصی برخوردار باشند. پیاده‌سازی این سیاست‌ها تنها از طریق الگو برداری از سایر کشورها محقق نمی‌گردد و نیاز به ابتکار عمل و خوش فکری حکمرانان شایسته در این حوزه می‌باشد. در این مقاله با تبیین اقتصاد مقاومتی به عنوان سیاست اقتصادی مرجع، جهت رشد و شکوفایی اقتصاد و ایجاد قابلیت ضربه ناپذیری در مقابل دشمنان؛ و همچنین تشریح ویژگی‌های حکمرانی حضرت یوسف علیه السلام به عنوان الگویی برای حکمرانی متعالی اقتصادی، تلاش شد تا ارتباطی میان ویژگی‌های حکمرانی این پیامبر عظیم‌الشأن و سیاست‌ها اقتصاد مقاومتی برقرار گردد. بدین ترتیب که مشخص شود برای اجرای هر یک از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، کدام یک از شاخصه‌ها و ویژگی‌های حکمرانی حضرت یوسف علیه السلام که در قرآن بیان شده است، بازتر و بیشتر باید باشد. به عنوان مثال همانطور که در شک ل ۲ آمده است جهت اجرای سیاست‌های ۹، ۱۵، ۱۹ و ۲۱ اقتصاد مقاومتی، معیار «شناخت عمیق (علیم)» در حکمرانان اقتصادی بایستی بارز تر از سایر معیارهای حکمرانی اقتصادی از جمله امنیت اقتصادی، پژوهش مستمر، و بصیرت و برنامه‌ریزی باشد. ولذا در هر حوزه اجرایی از سیاست‌های مذکور، به افراد خبره و صاحب نظر از نظر علمی و همچنین آگاهی‌دهندگان کلیدی نیاز است.

در این مقاله تخصیص هر یک از ویژگی‌های حکمرانی حضرت یوسف علیه السلام به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، توسط نگارنده انجام شده است. چارچوب ارائه شده در این مقاله را می‌توان با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی فازی، خبره‌سنجی نمود و یا با استفاده از روش دلفی فازی به تخصیص جامع‌تری رسید. لذا به عنوان پیشنهاد پژوهشی، پیشنهاد می‌گردد محقق یا سایر علاقه‌مندان، تخصیص‌های مطرح شده در این چارچوب را در تحقیقات میدانی آزمون نموده و بر اساس نظر خبرگان یا سایر روشهای علمی، تخصیص دقیق‌تر و بهینه‌تری ارائه نمایند.

۶- مراجع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی - تاریخ دسترسی ۱۳۹۴ <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>
- [۳]. ابن اثیر، عزالدین، ۱۳۷۰، الکامل، ترجمه محمدحسین روحانی، تهران، اساطیر.
- [۴]. اطلس قرآنی، ۱۳۸۶، اصفهان، حوزه علمیه اصفهان.
- [۵]. بسیج معاونت توسعه و فناوری رسانه سازمان صدا و سیما (۱۳۹۳)، برای مدیران: رهنمودهای رهبر معظم انقلاب به مدیران، انتشارات سروش، چاپ نهم، تهران.
- [۶]. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور به مناسبت هفته کارگر ۹۲/۲/۷.
- [۷]. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۹۱/۶/۲.
- [۸]. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از اساتید دانشگاهها، ۹۰/۶/۲.
- [۹]. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از استادان دانشگاههای سراسر کشور، ۸۲/۸/۸.
- [۱۰]. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش‌بنیان، ۹۱/۵/۸.
- [۱۱]. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران به مناسبت عید غدیر خم، ۷۴/۲/۲۸.
- [۱۲]. حسینی کوهساری، سید مفید، اعجاز اقتصادی قرآن کریم، دو فصلنامه تخصصی قرآن و علم - سال پنجم، ش ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
- [۱۳]. دانشنامه رشد، تعریف اقتصاد- تاریخ دسترسی، ۱۳۹۴ <http://daneshnameh.roshd.ir/>
- [۱۴]. دیباجی، محمدعلی، ۱۳۸۷، پیامبران دولتمرد، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- [۱۵]. سلیمانی، زهرا و منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۳)، تمدن‌سازی انبیای ابراهیمی؛ مدیریت اقتصادی و عدالت اجتماعی (با تأکید بر حکومت حضرت یوسف علیه السلام)، معرفت ادیان، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، بهار ۱۳۹۳.
- [۱۶]. سیاح، احمد، ۱۳۸۵، لغت نامه یا فرهنگ بزرگ جامع، (ترجمه المنجد)، چ ششم، تهران، اسلام.
- [۱۷]. سیدقطب، ۱۴۱۲ق، فی ظلال القرآن، چ هفدهم، بیروت، دارالشروق.

- [۱۸]. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- [۱۹]. طبری، محمدبن جریر، ۱۳۷۵، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران، اساطیر.
- [۲۰]. قرائتی، محسن (۱۳)، تفسیر نور.
- [۲۱]. میرمعز، سیدحسین (۱۳۹۲)، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۴۹-۷۶.
- [۲۲]. میرمعزی سیدحسین، ۱۳۹۰، نظام اقتصادی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [23]. Backhouse, Roger E. , and Steven G. Medema (2009). "Defining Economics: The Long Road to Acceptance of the Robbins Definition", *Economica*, 76(302), V. Economics Spreads Its Wings. [Pp. 805–820.]
- [24]. Backhouse, Roger E. , and Steven Medema (2009). "Retrospectives: On the Definition of Economics", *Journal of Economic Perspectives*, 23(1), p. 225. [pp. 221–33.]
- [25]. Backhouse, Roger E., and Steven Medema (2008). "economics, definition of", *The New Palgrave Dictionary of Economics*, 2nd Edition, pp. 720–22.
- [26]. Becker, Gary S. (1976). *The Economic Approach to Human Behavior*, Chicago, p. 5.
- [27]. Marshall, Alfred (1890 [1920]). *Principles of Political Economy*, v. 1, pp. 1–2 [8th ed.]. London: Macmillan.
- [28]. Mill, John Stuart (1844). "On the Definition of Political Economy; and on the Method of Investigation Proper to It", Essay V, in *Essays on Some Unsettled Questions of Political Economy* (V39). (Accessed Nov 2011)
- [29]. Persky, Joseph (1990). "Retrospectives: A Dismal Romantic", *Journal of Economic Perspectives*, 4(4), pp. 166–169 [pp. 165-172].
- [30]. Robbins, Lionel (1932). *An Essay on the Nature and Significance of Economic Science*, p. 15. London: Macmillan. Links for 1932 HTML and 2nd ed. , 1935 facsimile.
- [31]. Say, Jean-Baptiste (1803). *A Treatise on Political Economy; or the Production, Distribution, and Consumption of Wealth*, trans. 1834, C. C. Biddle, ed. , Grigg and Elliot.
- [32]. Seers, D. "The Meaning of Development", *International Development Review* Vol. 19 No.2 1972, pp.2-7.
- [33]. Smith, Adam (1776). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, and Book IV, as quoted in Peter Groenwegen (1987) [2008]), "'political economy' and 'economics'", *The New Palgrave: A Dictionary of Economics*, v. 3, p. 905.